



راهبردهای اخلاقی منتقد در متون علمی (با تأکید بر اخلاق نقد در علوم انسانی)

رضا تاج آبادی^۱

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، ایران

مهدی برغانی فراهانی

پژوهشگر و کارشناس ارشد مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، ایران

سمیه شعبانی

کارشناس ارشد رشته حقوق عمومی، ایران

هدف از ارائه این مقاله، بررسی چالش‌ها و راهبردهای اخلاق نقد متون علمی در علوم انسانی است. روش مطالعه در این مقاله به صورت مروری و کتابخانه‌ای است. پرهیز از نقد سخنگو به جای نقد سخن و احتراز از مغالطه انگیزه و انگیزه از شرایط نخستین نقد بی‌طرفانه است. یکی از مهم‌ترین عوامل نقد بی‌طرفانه، توجه به اصل تقدم فهم بر نقد است. شتاب‌زدگی در مقام نقد، مانع فهم ناقد از سخن مورد انتقاد می‌شود و اصرار جزم‌گرایانه بر نقد سبب فهم نادرست آن می‌شود. یکی از اصول اخلاق حرفه‌ای در پژوهش اصل تقدم فهم بر نقد است، زیرا شتاب‌زدگی و نقد عاری از فهم، دو عارضه غیراخلاقی دارد: عارضه اول سوق دادن فرد به سوی باورهای ناسنجیده است و دومین عارضه، تعدی به حقوق صاحب دیدگاه مورد نقد است. نقد شتاب‌زده و بدون فهم دقیق، به تخطئه پرداختن غیر اخلاقی است. ناقد باید در زمینه مورد نقد، دارای تخصص، بینش و اطلاعات روزآمد باشد. هر ادعای منتقد یا باید پشتوانه‌ای از منابع مستند داشته باشد، یا با استدلال‌های منطقی و علمی او همراه شود. به بیان دیگر، عمل نقد در واقع، کاری علمی و در صورت لزوم، پژوهشی است. از اخلاق نقد و صلاحیت اخلاقی ناقد، آن ویژگی‌ها و خصلت‌های اخلاقی و رفتاری ناقد است که بر کیفیت نقد او و دیگران و یا بر آزادی و سلامت فضای نقد اثر می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: اخلاق نقد، نقد متون علمی، فرهنگ نقد، آسیب‌شناسی اخلاق نقد، بی‌اخلاقی در نقد.

^۱tajabadireza@yahoo.com

مقدمه

اصول اخلاقی به قوانین کمال انسان و تحقق بخشیدن خیر مربوط است. در نتیجه هر حرفه‌ای به مجموعه احکام ارزشی در خصوص تکالیف و رفتار بستگی دارد. ضرورت توجه به اخلاق نقد در علوم انسانی بیش از سایر علوم است. (خالقی، ۱۳۹۰: ص ۳۴) جامعه‌ای می‌تواند به آینده خود در مسیر شکوفایی و پیشرفت امیدوار باشد که نقد افکار و عملکردها به عنوان یک اصل در آن جامعه تعریف شده و مورد پذیرش و تأیید همگان قرار گیرد و بدون نقد علمی و فراهم کردن زمینه آن در جامعه نمی‌تواند افق‌های روشنی برای پیشرفت یک جامعه ترسیم کرد. اهمیت نقد، بدین سبب است که این مقوله عاملی اساسی برای رشد، تعالی و پویایی فرد و جامعه به شمار می‌آید. (شاه ولی اناری، ۱۳۹۵) نقد دقیق‌ترین و صادق‌ترین میانجی و واسطه میان هنرمند و مخاطب اوست. نقد یک اثر نه تنها از ارزش نوشته نمی‌کاهد، بلکه بر ارزش و جایگاه آن می‌افزاید و چه بسیار آثاری که گمنام بوده‌اند و پس از نقد شدن، جایگاه واقعی خود را یافته‌اند. نقد ضمن کمک به نویسنده و ناشر، تأثیر بسیار فراوانی بر رشد جامعه علمی دارد و به تولید آثار ارزشمند کمک بسیاری می‌کند. هر چند در نگاه ساده و در مواقعی، برخی نقد اثرشان را بر نمی‌تابند و آنرا نوعی دشمنی می‌انگارند. (مطلبی و علیپور حافظی، ۱۳۸۹: ص ۷).

نقد جداسازی سره از ناسره، نیکی از بدی و ضعف و سستی از استحکام و قدرت است. طوری که به راحتی بتوان از نقاط ضعف، حذر و نقاط قدرت را تقویت کرد. کسی که در این وادی وارد شود، به قدری علاقه‌مند می‌شود که دیگر نمی‌تواند از آن دل بکند، زیرا نقاد فقط بر نقدشونده اثر نمی‌گذارد، بلکه خود را نیز محک می‌زند و ذهن خویش را در بوته آزمایش قرار می‌دهد و ارتقا می‌بخشد. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۶-۷).

نقد فرایندی است سهل و ممتنع. در ظاهر بسیار ساده و آسان می‌نماید و در واقع بسیار سخت است. کافی است منتقد، فقط اندکی بر اساس سوگیری عمل کند تا از هدف اصلی نقد، کیلومترها دور شود. نقدکننده در عین حال که صریح و قاطع است، باید دلسوز نیز باشد و هرگز هدف متعالی نقد را فراموش نکند. هدف نقد، اظهار نظر پیرامون یک موضوع خاص یا مجموعه‌ای از موضوعها تحت یک عنوان است، اما این اظهار نظر خود با هدف ارتقای نقد شونده صورت می‌گیرد و نه سرکوب او. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۷) و البته نقد سازنده شرایط و آدابی دارد. گفتگو و فضای نقد یعنی فرصتی برای هم ایجاد کردن تا نظرات و پیشنهادات خود را با طیب خاطر و کم‌ترین ترس بیان کنیم، این امر بعد از گذشت مدتی به ما می‌آموزاند که برای پاسداشت این دستاورد مهم و فضای فکری ایجاد شده به گونه‌ای رفتار کنیم که با حفظ اصول گفتگو و نقد علمی به شفاف‌سازی هر چه بیش‌تر این فضا کمک کنیم و دوم این‌که بدون ادله و آگاهی، مستندات و دانش کافی از اظهار نظر خودداری کنیم. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۷) نقد در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و به تعبیر علوم فرهنگی، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. (فاضلی، ۱۳۸۶: ص ۴۸) بنابراین رسالت آموزش عالی، نقادی کردن و شرایط توسعه نقادی نیز وجود چهارچوب گفتمانی، فضای سیاسی و اجتماعی مناسب و انگیزش فردی است. در

چنین شرایطی است که دانشگاه می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند و رسالت خویش را انجام دهد. (فاضلی، ۱۳۸۶: ص ۴۹).

درباره معنای اصطلاحی نقد و انتقاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد از جمله برخی از نویسندگان معتقدند در نقد و انتقاد صرفاً باید به بیان خوبی‌ها و محاسن اکتفا کرد و نباید به عیب‌جویی و بیان نارسایی‌ها پرداخت. برخی دیگر معتقدند نقد و انتقاد فقط به معنای خرده‌گیری و بیان نارسایی‌ها و ضعف‌های یک امر است و دلیلی برای بیان محاسن وجود ندارد. ولی اگر ما نقد را به عنوان ابزاری برای پیشرفت و رشد یک جامعه در نظر بگیریم بدون شک ارزیابی منصفانه یعنی بیان خوبی‌ها و مزایا در کنار بیان ضعف‌ها و کاستی‌ها می‌تواند زمینه رشد و پرهیز از انحراف و کجروی را در جامعه فراهم کند و این تعریف، نقد را در حوزه اخلاق قرار می‌دهد و با این تعریف می‌توان مدعی وجود اخلاق نقد بود. کلمه نقد در نگاه اول در بر دارنده بار معنایی منفی و به معنای اشکال گرفتن، مچ‌گیری و خرده‌گیری است، ولی در واقع نه تنها نقد را نباید اشکال‌تراشی دانست، بلکه باید باور داشت که یکی از مراحل مهم و تأثیرگذار در مسیر رشد و تکامل فردی، گروهی و سازمانی، نقد و انتقاد سازنده و دلسوزانه و علمی است. (جعفرزاده، ۱۳۹۳).

در نقد، هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت در کنار هم ذکر و بررسی می‌شود ولی انتقاد فقط ناظر بر نکات منفی و کاستی‌های مورد نقد است و برخلاف نقد، استدلال، ضابطه و معیار مشخصی ندارد، ولی به نظر می‌رسد این تفکیک بیش‌تر سلیقه‌ای و بر خواسته از فرهنگ غلط محیط و اجتماع است. منتقدان، خوانندگان هوشمندی هستند که با کار آنان و حضور و نقش آنهاست که دلالت زبانی به عنوان موضوعی برای مطالعه و تحلیل تعیین می‌شود. اغلب منتقدان بزرگ در حوزه نقد صاحب سبک و روش هستند یعنی روش‌مند عمل می‌کنند. (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۰: ص ۲۶۶) باید گفت نقد به جای جنبه تخریبی، بیش‌تر در بر دارنده و نمایانگر عزمی جدی برای درمان یک بیماری قابل علاج در یک سیستم و رویکرد و برنامه است. (جعفرزاده، پیشین).

بیان مسئله

منتقد برای ارائه نقدی درست نیازمند دانش کافی و تخصص است. علاوه بر این بایستی اطلاعاتی دقیق و کامل و همه‌انبه از موضوع داشته‌باشد، تا در تحلیل و بررسی اطلاعات توانا شود. در این شرایط است که منتقد می‌تواند نقدی ادراکی و عقلانی ارائه دهد، چراکه نقد به منزله امری تخصصی نیازمند بررسی و کار فراوان است. اگر منتقد بدون داشتن درک صحیح و متخصصانه در مورد مطلبی اظهار نظر کند، از آن‌جا که هیچ ادله علمی و تخصصی پشتوانه چنین نقدی نیست، به ورطه احساسات می‌افتد. (انتظاری و آقایی، ۱۳۹۳: ص ۹).

«محسنیان راد» انتقاد را به دو دسته تقسیم می‌کند: انتقاد مخرب و انتقاد سازنده. در انتقاد مخرب، که نشأت گرفته از احساسات منتقد است، نقد حالت ابزاری دارد که چون پتک بر سر نقدشونده کوبیده می‌شود و معمولاً با تحقیر نقد شونده همراه است و به گونه‌ای طرح می‌شود که گویی فقط نظرات منتقد صحیح است. موضوع نقد به وضوح مشخص نیست و بیش‌تر حالت خرده‌گیری، عیب‌جویی

و شماتت دارد و امکان جبران هرگونه خطا را از بین می‌برد. در مقابل هدف نقد سازنده اصلاح و پیشرفت نقد شونده است. (انتظاری و آقایی، ۱۳۹۳: ص ۹) بنابراین نقد همدلانه و موضوع نقد کاملاً مشخص است و حالت تحمیل عقاید را ندارد. به اعتقاد محسنیان راد اگر همه این ویژگی‌ها را در مدل منبع معنا قرار دهیم، می‌بینیم که منتقد، در تجلی معنای اولیه، بایستی متکی بر رابطه عینیت بر ذهنیت باشد و نه برعکس و چنین چیزی نیازمند معرفت و دانش است. (رستگار، ۱۳۸۰: ص ۲۱) به این معنا که منتقد بایستی به ارزش‌هایی که منافع دیگران را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد پای‌بند باشد و از هنجارهای اخلاقی پیروی کند. (رستگار، ۱۳۸۰: ص ۲۲).

آنچه امروز به خصوص جامعه علمی و دانشگاهی ما از آن رنج می‌برد عدم نگاه علمی و دقیق به مسئله نقد افکار و نوشته‌های دیگران است، که معمولاً یا نقدی صورت نمی‌گیرد یا نقد به تخریب افراد می‌انجامد که اولی موجب رکود و دیگر باعث شکستن حرمت‌ها و از بین رفتن آبروی اشخاص خواهد شد. مهم‌ترین اصول اخلاقی نقد و مناظره در دین اسلام عبارتند از: دوری از حاشیه و نکشاندن بحث به مباحث غیرمرتبط، اجتناب از تویخ و ملامت و تحقیر طرف مقابل، عدم توسل به تهمت و افترا و گمان‌های بی‌اساس، دوری از حب و بغض و ترک انتقام‌جویی، عدم تفسیر به رأی دیدگاه صاحب اثر، نقد مدعا نه مدعی، نقد سخن نه گوینده، تبحر و علم به موضوع، نقد با معیارهای علمی و کلی‌گویی، رعایت منطق و انصاف در نقد. توجه دقیق به اصول اخلاقی فوق می‌تواند تا حد زیادی فضای آزادانه گفتگو و مباحثات علمی مبتنی بر دلیل و منطق را در جامعه فراگیر و نشر دهد. (محمدی، ۱۳۹۳).

و به قول شاعر: دلائل قوی باید و معنوی نه رگ‌های گردن به حجت قوی

اگر نقد در یک فضای علمی و به معنای درست آن گسترش پیدا نکند، کار علمی به سرانجام خود نخواهد رسید. همچنین یکی از مشکلات مبتلابه جامعه ما فقدان طرح مسائل و موضوعات چالش‌انگیز بعد از انقلاب بوده است. (حسینی، ۱۳۹۶) به نظر می‌رسد با فراهم کردن زمینه‌های نقد علمی بتوان فضای طرح مسائل و موضوعات جدیدی که مقتضای انقلاب اسلامی است، در جامعه علمی مطرح، و اجازه طرح و تحلیل این ضرورت‌ها را داد. (حسینی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶)

روشن است گستردگی زمینه‌ها و حساسیت علمی مقوله نقد متون، می‌تواند آسیب‌های جدی به آن وارد سازد و دستیابی به اهداف ذکر شده را با چالش اساسی مواجه سازد. با مرور بر پیشینه مباحث مربوط به آسیب‌شناسی اخلاق نقد، مشخص می‌شود که این مطالعات عمدتاً متمرکز بر عدم رعایت ملاحظات اخلاقی در نقد متون بوده است. ملاحظاتی مانند عدم انتخاب داور بر اساس فهم و تخصص موضوعی، محتوایی و روش‌شناختی، عدم تقدم فهم متن بر نقد متن از سوی ناقد؛ فقدان معیارهای مشخص برای نقد، فقدان مهارت‌های انگیزه‌ها، استفاده از زبان نامناسب؛ عدم تفکیک متن از مؤلف، امتناع ناقد از پذیرش متونی که با آنها اختلاف نظر اساسی دارد و ارائه نتایج داور و نقد به شکل غیرسازنده. (اسلامی اردکانی، ۱۳۸۳: ص ۵۰).

اگر فضای نقد و گفتگو در ایران بدون هیچ مانعی بوده است، چرا تولیدات دانشی ما، به خصوص در حوزه علوم انسانی، در مقایسه با دیگر کشورها کم است یا با رکود نسبی در این فضا مواجه هستیم.

(انتظاری و آقای، ۱۳۹۳:ص ۴) در این مقاله می‌خواهیم به این پرسش، پاسخ بدهیم که یک ناقد متون علمی و منتقد چه خصوصیات اخلاقی بایستی داشته باشد؟ و چه مواردی را باید در اخلاق نقد رعایت کرد؟

روش‌شناسی مقاله

با توجه به ماهیت و کیفیت این مقاله علمی - ترویجی و مروری، شیوه پژوهش، از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است و با توجه به موضوع پژوهش، که به بررسی اخلاق در نقد خصوصاً متون علمی و اخلاق منتقد می‌پردازد، این مقاله از جمله تحقیقات بنیادی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

شاه ولی اناری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی اصول اخلاقی نقد در قرآن کریم و روایات می‌پردازد و از این رهگذر شاهراه اصلی تحقیق بخشی به جامعه سالم در سایه گفتمان انتقادی را به بحث و گفتگو می‌نشیند. این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که با تکیه بر قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) می‌توان به جایگاه نقد و انتقاد در اسلام پی برد و دست کم برخی از اصول مطرح در اخلاق نقد و انتقاد را استخراج نمود. برخی از اصول ناظر به بحث نقد و انتقاد را می‌توان تقدم نقد بر خویشتن، به‌کارگیری ادبیات مناسب، مشخص کردن انتظارات، بیان شایستگی‌ها، انطباق بر تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت، تکیه بر استدلال منطقی، عفت در کلام و انتقادپذیری را نام برد.

رضایی و علیزاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای بیان کرده‌اند که نقد و اخلاق نقد از مسایل بسیار مهم و بحث‌انگیز است و آرای مختلفی درباره آن اظهار شده‌است. این آراء از دو جنبه نظری و عملی قابل بررسی‌اند. سید محمد حسین طباطبایی نقد را از جنبه نظری ارزیابی و سنجش یک اثر با تأکید بر ایرادات آن می‌داند. از نظر او نقد درست و اخلاقی امری سازنده است و موجب پیشرفت علم و تصحیح فکر می‌شود. علامه طباطبایی از جنبه عملی نیز به امر نقد و انتقاد اهتمام فراوان دارد و در مقام نقد آرای دیگران و نیز در مواجهه با نقدهای دیگران بر اندیشه‌ها و آرای خویش بسیار منصف و دقیق و متواضع است. به گونه‌ای که می‌توان او را یکی از الگوهای اخلاقی و علمی در دو مقام ناقد و مورد نقد تلقی کرد و سیرت و سیره او را به جامعه امروز شناساند. او در مقام نقد آثار متفکران دیگر صرف نظر از شخصیت و هویت نویسنده، خود اثر را مورد سنجش قرار می‌دهد، از سوی دیگر نقد آثار خود را نیز سبب برطرف کردن اشکالات خود و بهتر شدن آثارش تلقی می‌کند. او هرگز افکار خود را برتر از افکار دیگران نمی‌داند و بر همین اساس بدون توجه به جایگاه علمی خود، نقد آثارش را با سعه صدر می‌پذیرد.

اسلامی اردکانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای بیان کرده است که نقد، لازمه رشد و بالندگی دانش است و گرچه این نکته بدیهی به نظر می‌رسد، به دلیل آنکه هنوز این باور نهادینه نشده‌است، عملاً نقد فراموش شده و از کارکرد اصلی خود بازمانده و یا به تعریف و تمجید بدل شده‌است. عکس العمل‌های شدید و گاه سخت ضد اخلاقی، ناقدان را از ادامه مسیر باز می‌دارد، اصول روشنی برای به‌کارگیری نقد در

عرصه‌های مختلف دیده نمی‌شود و سرانجام در نقد آراء و افکار دیگران، گاه ناقدان، اصول اخلاقی را فراموش می‌کنند و نقد را به ابزاری برای تصویب حساب‌های شخصی و مانند آن بدل می‌سازند. میرعزیزی (۱۳۸۸) در مقاله‌اش اظهار کرده‌است که انتقاد از پایه‌های پیشرفت علوم و جوامع است. نمی‌توان باب انتقاد را به بهانه حفظ احترام بست و انتظار پیشرفت داشت، نمی‌توان در مقابل سنت انتقاد صف‌آرایی کرد و انتظار تولید علم داشت. در ضرورت نقد همین بس که بسیاری از پیشرفت‌ها، حاصل نقد بوده‌است، اما چه باید کرد که هم این رکن رکین را در جامعه نهادینه کرد و هم احترام و بزرگی صاحبان عقاید را حفظ نمود؟ به نظر می‌آید رسیدن به چنین هدفی جز از طریق نهادینه سازی اخلاق انتقاد در فرد فرد جامعه حاصل نمی‌شود.

هدف و فلسفه نقد کتب در حوزه علوم انسانی

نقد یک کتاب می‌تواند اهداف متعددی داشته‌باشد. نخستین و مهم‌ترین هدف نقد یک کتاب انتقال این موضوع به خواننده است که کتاب در مورد چه موضوعی است و آیا این کتاب ارزش خواندن دارد یا خیر؟ منتقد کتاب از طریق به اشتراک‌گذاری نقد کتاب یا واکنش خود به کتاب، این فرصت را برای خوانندگان فراهم می‌کند که بدانند آیا کتاب به عنوان یک ابزار ارتباطی توانسته به خوبی بین مؤلف و خواننده کار کند؟ به عبارت دیگر آیا به خوبی ایده‌ها و نظریه‌ها را به خواننده منتقل کرده‌است؟ منتقد کتاب نه فقط آنچه کتاب می‌گوید را بیان می‌کند بلکه آنچه که کتاب برای شخص وی معنا می‌دهد را نیز بیان می‌کند. کمک به توسعه فرهنگی و فرهنگ کلی جامعه، کمک به انتشار آگاهانه و آزادانه افکار و اندیشه‌ها، توسعه مهارت‌های انتقادی در خوانندگان متون و تقویت فهم دقیق آنچه در یک کتاب آمده- است، از دیگر اهداف نقد یک کتاب می‌تواند باشد. (حسینی، ۱۳۹۶: ص ۴۱).

از دیگر اهداف نقد متون به خصوص در حوزه علوم انسانی می‌توان به ترویج فرهنگ نقد در جامعه علمی کشور، ترویج جریان نقد و زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی، نظام‌مندسازی نقد علمی در حوزه علوم انسانی، زمینه‌سازی برای تنظیم نظام‌نامه نقد در حوزه علوم انسانی (حسینی، ۱۳۹۳: ص ۵)، فراتر رفتن از نظریه‌های موجود، بسترسازی برای گسترش گفتگوی علمی در کشور، ارتقای خلاقیت نظری در محافل علمی و معرفی آثاری که در فرایند رشد و بالندگی علوم انسانی در تراز جهانی نقش برجسته داشتند، اشاره کرد. به این نکته باید توجه کرد که اگر نقد در یک فضای علمی و به معنای درست آن گسترش پیدا نکند، کار علمی به سرانجام خود نخواهد رسید. (حسینی، ۱۳۹۶: ص ۴۲).

مفهوم نقد علمی

نقد واژه‌ای مبهم و چندسویه است، با ابهامی که اغلب دو علت دارد: نخست معانی مختلف این واژه و دوم بار عاطفی گوناگونی که این واژه در گذر زمان به خود گرفته‌است (اسلامی اردکانی، ۱۳۸۳: ص ۱۵). در نزد قدما، مراد از نقد معمولاً این بوده‌است که معایب اثری را بیان کنند و مثلاً در این که الفاظ آن چه وضعی دارد یا معنی آن برگرفته از اثر دیگری است و به طور کلی از فراز و فرود لفظ و معنی سخن گویند (شمیسا، ۱۳۸۵: ص ۲۵). در اصطلاح ادبیات، نقد تشخیص معایب و محاسن سخن است (ده-

بزرگی، ۱۳۸۴: ص ۷). ولی کلمه نقد، خود در لغت به معنی بهین چیزی برگزیدن و نظر کردن است. به قول اهل لغت، سره را از ناسره بازشناسند. نقد، هنر، فن، فراروند یا اصول داوری ادبی و آثار ادبی است و در واقع، نقد فعالیتی علمی، تخصصی و مبتنی بر شناخت مناسب از حوزه موضوعی است که ناقد در آن زمینه به نگارش نقد دست می‌زند. بر این اساس، عمل نقد، اقدام برای اصلاح و ویرایش متنی است که از منظر ناقد، ارزش توجه و بررسی دارد. باید بیان کرد که نگارش نقد به مفهوم رسمیت بخشیدن به ارزش متن و عنایت به اهمیت موضوع است. ولی ضرورت دارد که همواره در نگارش‌های تحلیلی، نقادی در قالبی مدون و بر اساس هسته‌های مهم و کلی بحث شکل گیرد. (درودی، ۱۳۸۹: ص ۶۹).

در نگارش‌های علمی، نقد، سنجشی روش‌مند و مبتنی بر مبانی تحلیل و بررسی مدون و سازمان یافته‌است که سبب افزایش اثربخشی و سودمندی آن می‌شود (درودی، ۱۳۸۵: ص ۲۷۹). این مفهوم در حوزه موضوعی نقد علمی دارای اهمیت بالایی است و از همین‌رو ضرورت دارد تا در نگارش نقد روش‌مند به ساختارهای اساسی متن توجه کرد و هسته‌های موضوعی را در آن مشخص ساخت. برای انجام نقد باید در متن به دنبال چارچوب گسترده‌تری بگردیم و ببینیم ایده اصلی و موضوع اساسی چگونه پرداخته می‌شود. این راهکاری است که می‌توان با تکیه بر آن، نقد مناسب‌تری ارائه داد و از جنبه‌های مختلف به بررسی متن اهتمام ورزید. (درودی، ۱۳۸۹: ص ۶۹).

زبان غیرعلمی، اصلی‌ترین آفت نقد است. مادام که در سرزمین ما نقد نوشتاری و گفتاری با زبانی شبه شاعرانه بر پاشنه مدح یا ذم بگردد، نقدشونده و نقدکننده و در چرخه‌ای بی‌فرجام، زبان کرده و می‌کنند. برای روشن شدن حیطه بحث به نظر می‌آید به گونه‌ای گذرا بایستی به مفاهیمی مانند چیستی نقد، اخلاق نقد و زبان نقد توجه کنیم. در باب چیستی نقد می‌توان گفت، نقد به معنی کشف، بازآرایی و ارزیابی مدعا یا هدف آشکار و پنهان پدیدآورنده اثر است.

اخلاق نقد از شاخه‌های اخلاق پژوهش است. در یک دسته‌بندی کلان از منظر اخلاق نقد می‌توان گفت نقد یا مداحانه است یا عیب‌جویانه و راه‌گریز از این دو نقد منصفانه است. بر همین اساس می‌توان گفت نقد باید به همراه استدلال ارائه شود و به‌دوراز تحقیر و توهین باشد. در نقد نباید دیگران کوچک شمرده شوند و از خشونت کلامی در نقد باید دوری جست. مسئله اصلی این است که جامعه علمی تا رسیدن نقدهایی عالمانه فاصله دارد، زیرا نقد به معنایی که آمد اگر مبتنی بر اخلاق علمی باشد، مادام که به زبان علمی نزدیک نشود به نقدی عالمانه دست نخواهیم یافت. زبان‌شناسان دست‌کم چهار گونه زبانی را برمی‌شمارند. زبان عامیانه، زبان ادیبانه، زبان دینی و زبان عالمانه.

همان‌گونه که پدیدآورنده با زبانی علمی سرراست و فارغ از پیرایه‌ها و آرایه‌هایی ادبی اثرش را پدید آورده، ناقد نیز با زبانی علمی آغاز و انجام سخنش را سامان می‌بخشد. به اینجا که می‌رسیم مشکلی دیگر بروز می‌کند. مسئله این است که در متون علمی پدید آمده در حوزه معرفت تاریخی کشور ما، از یک‌زبان مشترک علمی استفاده نمی‌شود و بلکه منتقدان نیز که در شمار دانش‌آموختگان همین حوزه‌اند، از زبان مشترک علمی بهره نمی‌برند. از این گذشته منتقدان با میراثی برآمده از نقد ادبی گاه به زبانی سخن می‌گویند که در بسیاری موارد شبه شاعرانه است. به عنوان نمونه وقتی نویسنده‌ای در

نقد اثری می‌گوید: ... به‌راستی ستمی است که مؤلف بر خود و خوانندگان و موضوع کتابش روا داشته- است. آشفتگی، بی‌معنایی و توخالی بودن آن از نظر محتوا؛ ... با این حال خوانندگان تیزهوش ... نیز نمی‌توانند به توخالی بودن کتاب پی ببرند، مشروط بر آنکه قبلاً مرعوب «وسعت معلومات» مؤلف نشده- باشند. (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ص ۶-۳).

وظیفه و دانش ناقد

اگر نقد، تنها معطوف به نقد اثر باشد، ناقد دارای حداقل دو وظیفه در نقد یک اثر خواهد بود:

- (۱) توصیف و تحلیل اثر در وضع موجود.
 - (۲) تعیین مقدار فاصله اثر با وضع مطلوب.
- بنابراین، ناقد برای ایفای چنین وظیفه‌ای، نخست نیازمند آن است که جایگاه اثر موجود و ویژگی‌های یک اثر مطلوب را بشناسد. این بدان معنی است که او باید در زمینه مورد نقد خویش، از دانش و آگاهی نه تنها لازم بلکه کافی برخوردار باشد به اندازه‌ای که تسلطی بر شناخت وضع موجود و نقطه مطلوب موضوع مورد نقد خویش یافته‌باشد تا بتواند فواصل اثر موجود را با اثر مطلوب، تعیین و ارزیابی کند. ناقد باید در موضوع مورد نقد، دارای دانش و اطلاعاتی بیش از پدیدآورنده اثر باشد. نیز از آن‌رو که او درباره اثر به تحلیل و داوری دست می‌زند، باید در آن زمینه متخصص و صاحب‌نظر باشد و از بینشی عمیق بهره بگیرد. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که نقد غیرتخصصی وجود ندارد و هر ناقد باید متخصص در زمینه‌ای باشد که در آن دست به نقد می‌زند. (رفیعی، ۱۳۹۳).

روش‌های علمی ناقد در نقد آثار

نقد، چه دانش باشد، چه فن، چه هنر و موضوع مورد نقد، چه دانش باشد، چه فن، چه هنر، نیازمند روشی عملی است. این روش عملی بر دو پایه استوار خواهد بود:

۱. روش عملی تحقیق در آن دانش، فن یا هنر.
 ۲. روش عملی نقد آن دانش، فن یا هنر.
- ضعف و قوت هر یک از این دو پایه، ضعف و قوت نقد آن موضوع را در پی خواهد داشت. همچنین ناگفته پیداست که مورد دوم تا چه اندازه وابسته به مورد نخست می‌تواند باشد. بنابراین اگر دانش، نقد، چه دانش باشد، چه فن، چه هنر و موضوع مورد نقد، چه دانش باشد، چه فن، چه هنر، نیازمند روشی عملی است. این روش عملی بر دو پایه استوار خواهد بود: ۱. روش عملی تحقیق در آن دانش، فن یا هنر ۲. روش عملی نقد آن دانش، فن یا هنر.

فن یا هنری بی‌بهره یا کم‌بهره از روش عملی باشد، در واقع، چنان دانش، فن یا هنری بی‌بهره یا کم‌بهره از دستاوردهای علمی، فنی یا هنری خواهد بود و در نتیجه، از ضعف علمی، فنی یا هنری رنج خواهد برد. آن‌گاه یا فاقد افرادی مطلع و عالم، چه رسد به متخصص و صاحب‌نظر، خواهد بود یا اگر افرادی به عنوان عالم، متخصص و صاحب‌نظر در آن زمینه شهرت یابند، این عناوین، به واقع اسامی بی‌مسئوبی بیش نیستند. از همین‌جا معلوم است که ناقدی صاحب صلاحیت در آن زمینه علمی، فنی یا هنری نیز وجود نخواهد داشت. نقد یک اثر، چه اثری علمی، چه فنی و چه هنری، کاری علمی است.

کار علمی، مبتنی بر روشی علمی بر پایه مبانی استوار و تزلزل ناپذیری است که از حقایق و واقعیت‌های تردیدناپذیر به دست آمده و تدوین شده‌اند. (رفیعی، ۱۳۹۳).

تلقی خوانندگان یا شنوندگان نقد یک اثر به‌ویژه آن‌گاه که نقد به معایب و کاستی‌ها می‌پردازد، آن است که ناقد، صاحب‌نظرتر از پدیدآورنده اثر است. در هر دو جنبه نیز چنین باید باشد: هم این تلقی و توقع، بجاست و هم چنین ویژگی در ناقد، به‌ویژه آن که به کاستی‌ها و معایب اثر می‌پردازد، مورد انتظار است. این تلقی و توقع و مجالی که برای نقد مکتوب یا شفاهی در اختیار ناقد قرار می‌گیرد و جایگاهی که برای داوری و ارزیابی به ناقد داده می‌شود، فرصت و موقعیتی ویژه است. این فرصت و موقعیت می‌تواند به‌حق یا به ناحق، سودمندی‌های بسیار برای اثر و پدیدآورنده آن داشته باشد یا به‌حق یا به ناحق زیان‌هایی جبران‌ناپذیر به اثر و پدیدآورنده وارد سازد. صلاحیت اخلاقی نیز در کنار صلاحیت علمی ضروری است. (رفیعی، ۱۳۹۳).

اخلاق نقد و صلاحیت اخلاقی ناقد

منظور ناقد باید در زمینه مورد نقد، دارای تخصص، بینش و اطلاعات به‌روز باشد و خود را روزآمد نگاه دارد. هر مدعی او یا باید پشتوانه‌ای از منابع مستدل داشته باشد یا با استدلال‌های منطقی و علمی او همراه شود. به بیان دیگر، عمل نقد در واقع، کاری علمی و در صورت لزوم، پژوهشی است. (رفیعی، ۱۳۹۳). از اخلاق نقد و صلاحیت اخلاقی ناقد، آن ویژگی‌ها و خصلت‌های اخلاقی و رفتاری ناقد است که بر کیفیت نقد او و دیگران و یا بر آزادی و سلامت فضای نقد اثر می‌گذارد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها و خصلت‌های اخلاقی و رفتاری عبارتند:

۱. روزآمدی و علم‌گرایی: ناقد باید در زمینه مورد نقد، دارای تخصص، بینش و اطلاعات به‌روز باشد و خود را روزآمد نگاه دارد. هر مدعی او یا باید پشتوانه‌ای از منابع مستدل داشته باشد یا با استدلال‌های منطقی و علمی او همراه شود. به بیان دیگر، عمل نقد در واقع، کاری علمی و در صورت لزوم، پژوهشی است. (رفیعی، ۱۳۹۳)

۲. آزادگی و حق‌گرایی: ناقد باید اصل بی‌طرفی و آزاد بودن از گرایش‌های فردی، گروهی و وابستگی‌های دوستانه، ارادتمندانه، محفلی یا جناحی را در کار خود مراعات کند. چنین نباشد که هم و غم او لزوماً اصرار بی‌دلیل بر تأیید آثار خود و همگنان و رد بی‌دلیل آثار مخالفان باشد. حق‌گرایی در نقد و بی‌توجهی به خوشایند بودن یا نبودن نقد برای اشخاص حقیقی و حقوقی، نخستین ویژگی ذاتی نقدی سالم و برخاسته از سلامت نفس ناقد است.

۳. درک و فهم دقیق اثر: ناقد باید اثری را که قرار است به نقد آن بپردازد، با دقت تمام بخواند. پیش‌داوری‌ها و اطلاعات پیشینی درباره مؤلف و دیگر آثارش، نداشتن فرصت برای مطالعه بیشتر، کمی میزان حق‌التحریر، اغراض شخصی یا دوستی‌ها و وابستگی‌ها هیچ‌یک دلیلی موجه برای فرار از مطالعه دقیق و عمیق اثر، از آغاز تا انتها به‌ویژه مقدمه یا مؤخره توجیهی یا توضیحی نیستند. اگر ناقد به نقد تنها بخشی از اثر یا گزینش اتفاقی آن می‌خواهد بپردازد، این را باید در نقد خود قید کند اما در هر حال ناگزیر از مطالعه دقیق و عمیق مقدمه یا مؤخره توجیهی اثر نیست. گناهی نابخشودنی و خیانتی بزرگ

به عالم علم، فن و هنر و نیز انتشاردهندگان نقد است که ناقد به پشتوانه شهرت خویش و اعتمادی که به اوست. (رفیعی، ۱۳۹۳).

۴. پای‌بندی به روش علمی: نقد اثر، چه اثری علمی، چه فنی و چه هنری، کاری علمی است. کار علمی، مبتنی بر مبانی محکم با روشی علمی است که به کلیات آن اشاره‌ای داشتیم. ناقد باید خود را مقید به روش علمی در ارائه نقد کند. نقد شخص و شخصیت پدیدآورنده و به کارگیری الفاظ، عبارات و جملاتی که ذهن خواننده یا شنونده عامی را به جای دقت در اثر، متوجه پدیدآورنده می‌سازد و از آنجا به سوی مشروعیت یا عدم مشروعیت اثر می‌کشاند، روشی هم غیرعلمی و هم عوام‌گرایانه و ناجوانمردانه است.

اصول اخلاقی حاکم بر نقد سالم و سازنده

نقد و انتقاد به عنوان عملی که اقشار و سطوح بسیاری از اجتماع را در بر می‌گیرد، بیش از هر عملی نیازمند رعایت و پاسداشت اصول اخلاقی است. اگر این عمل که تأثیر بسیاری در رشد و تکامل فردی و گروهی جامعه دارد، به دور از اصول اخلاقی انجام پذیرد، شکی نیست که اثرات مخربی در فرآیند رشد و انسجام و همدلی اجتماعی و سیاسی بر جا خواهد گذاشت. توجه به اصول اخلاقی زیر، برای رسیدن به حداکثر فواید موجود در نقد و انتقاد ضروری به نظر می‌رسد:

۱. حقیقت‌جویی و حقیقت‌گویی

فرد منتقد باید در نقد به دنبال کشف حقیقت و راستی باشد و پس از تحقیق دربارهٔ صحت و سقم هر مسئله‌ای زبان به نقد بگشاید. چه بسیار شایعاتی بر اثر تکرار رنگ حقیقت گرفته‌اند، در حالی که پوچ و بی‌اصل و سند هستند. از نظر اخلاقی بسیار ناپسند است که بدون دلیل و یقین، زبان به نقد و عیب‌نمایی کرد (جعفرزاده، ۱۳۹۳).

۲. انصاف و عدالت

نقد سازنده، نقدی است که به دور از سیاه‌نمایی و پوشاندن خوبی‌ها باشد. ذکر و تأکید بر خوبی‌ها و زیبایی‌ها باعث پذیرفته شدن هر نقد و انتقادی از سوی شخص یا گروه نقدشونده خواهد شد. علاوه بر این نادیده انگاشتن خوبی‌های یک عمل، رویکرد و... چون نوعی کتمان حقیقت است و نیز باعث انحراف ذهن مخاطب از فهم تمام حقیقت است، نوعی دروغ عملی به شمار می‌رود و امری ناپسند از منظر دین و اخلاق است.

۳. رعایت ادب در گفتار و حفظ شخصیت مخاطب

رعایت ادب در گفتار و کردار، فارغ از بحث نقد و انتقاد، یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های دینی ما به شمار می‌رود. قبل از شروع هر نقد و انتقادی نسبت به هر شخص و تفکر و گروه، باید توجه داشته‌باشیم که رعایت شخصیت و جایگاه اجتماعی و دینی هر کسی در جامعه اسلامی لازم و ضروری است و نقد اگر با رعایت این ادب و آداب دیگرش همراه نباشد، اثرات سوئی در فضای اخلاقی جامعه خواهد گذاشت (جعفرزاده، ۱۳۹۳).

۴. دلسوزی و خیرخواهی

فلسفه نقد پیش رفتن، اصلاح و به کمال رساندن است و لازمه تمام این‌ها دلسوز بودن و خیرخواه بودن است. اگر کسی بدون دلسوزی نسبت به رشد فرد یا جامعه‌ای اقدام به لیست کردن عیب‌های موجود بکند، این کار را سیاه‌نمایی و تخریب و تضعیف به شمار می‌آورند و حق هم همین است. هر چند از همین سیاه‌نمایی‌ها هم می‌توان استفاده کرد. ولی این توجیه‌کننده اخلاقی بودن این کار نمی‌شود.

۵. مخفیانه و خصوصی باشد.

این از نظر اخلاق اسلامی پسندیده نیست که شخصی کاری خوب را به نحوی بد و زشت انجام دهد. نمونه این دیدگاه را در تأکید بسیار زیاد عالمان دینی بر رعایت ادب و اخلاق و نرمی گفتار در هنگام امر به معروف و نهی از منکر می‌توان مشاهده کرد. نقد باید آگاهانه، منصفانه، دلسوزانه، خیرخواهانه، مخفیانه و با حفظ و رعایت ادب و تواضع در بیان حق و نیز قبول حق همراه باشد. اگر منتقدی در نقد خویش در هر عرصه‌ای که بسیار مستعد بروز اختلاف و سوءتفاهم هست، آداب و اخلاق حاکم بر مقوله نقد و انتقاد را رعایت کند، می‌توان انتظار داشت که فضای جامعه اسلامی ما به سوی همدلی، همیاری و احساس مسؤلیت همگانی که مورد نظر اسلام است، پیش خواهد رفت و در این فضا است که نقدها را عیاری گیرند. (جعفرزاده، ۱۳۹۳).

۶. پرهیز از انگیزه‌خوانی

پرهیز از انگیزه‌خوانی را از اولین شرایط اخلاقی نقد است. یکی از بزرگ‌ترین آفات اخلاقی نقد این است که کسی یا کسانی که مورد نقد قرار می‌گیرند به جای پاسخ علمی و قانع‌کننده به نقد و رفع سوءتفاهم‌ها و اصلاح عیوب خود به بیان انگیزه‌های منتقد یا منتقدین می‌پردازند و حتی در بعضی موارد خود انگیزه‌سازی می‌کنند و با این عمل سعی می‌کنند جوسازی کنند و باعث گمراهی اذهان عمومی شوند. (آخوندی، ۱۳۹۳). این عده علاوه بر فرار از پاسخ‌گویی باعث می‌شوند حقایق جامعه در پرده‌ای از ابهام باقی بماند، قطعاً فرار از پاسخ از طریق ساختن انگیزه‌های واقعی یا واهی موجب ایراد خسارات جبران‌ناپذیری در جامعه خواهد شد و این عمل نه تنها جامعه را از رشد و پیشرفت باز می‌دارد، بلکه باعث ترویج خودرأیی و استبداد در حوزه اندیشه و عمل شده و همچنین این عمل غیراخلاقی باعث می‌شود کسی جرأت نقد و بیان معایب را به خود ندهد و از دخالت در اموری که تقویت و توسعه آن‌ها باعث پیشرفت کشور می‌شود، خودداری کند.

۷. خود را مقدم داشتن:

اگر منتقدی بر عیبی تأکید داشته که در خودش نیز آن عیب وجود دارد و منتقد در پی تغییر رفتار شخص مورد نقد است، باید اطمینان حاصل کند که آن عیب در خودش نباشد. در خصوص اثرگذاری نقد آن است که منتقد نخست عیبی را که می‌خواهد بازگوید، از خود دور ساخته باشد. (اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۹: ص ۷۶-۷۷).

۸. مهار انگیزه‌ها:

صالح‌ترین فرد برای ارزیابی انگیزه‌های منتقد، خود منتقد است. از این‌رو، هر کس باید به هنگام نقد دیگران بکوشد تا انگیزه‌های خود را باز شناخته، آنها را کنترل نماید. بر اساس نظر اسلامی ندوشن، حداقل جوانمردی و انصاف باید از نظر دور داشته نشود، که اگر بشود، ما با یک دغل و یک منتقد قلب سروکار خواهیم داشت. (اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۹: ص ۷۷).

۹. استفاده از زبان و ادبیات مناسب:

عدم رعایت ادب از جانب منتقد، از نکته‌هایی است که بیش‌تر افراد مورد نقد، بر روی آن تأکید دارند. نقد به خودی خود گزنده و دردآور است، بنابراین اگر منتقد در پی اثرگذاری است، باید از این گزندگی بکاهد و یا دست کم بر زخمی که ناشی از نقد است، نمک دشنام نپاشد. (اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۹: ص ۷۸) تحقیر، مسخره کردن و دست انداختن رقیب، نه نشانه قدرت که بازگو کننده عجز ما از نقد درست است. (اسلامی اردکانی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۶) یکی از نکاتی که غالب افراد مورد نقد بر آن انگشت می‌گذارند، این است که منتقد جانب ادب را رعایت نکرده است. نقد، گزنده و دردآور است و ناقد اگر در پی تأثیرگذاری است، باید از این درد بکاهد و اگر هم نمی‌تواند لاقبل بر آن دردی تازه نیفزاید. ناقد باید این نکته را همواره مدنظر داشته باشد که واژه نقد رماننده و هراسناک است، بنابراین از آلودن آن به تعبیرات گزنده و گاه توهین‌آمیز بپرهیزد. (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۰).

۱۰. عدم افشاگری و عمومی‌سازی:

منظور آن است که در این نوع نقد، ناقد اقدام به عمومی‌سازی نقد جهت بازی کردن با آبروی فرد مورد نقد بر بیاید و به آلوده ساختن فضای بحث و طرح مسائل و حواشی جانبی بینجامد و در نهایت به زیان ناقد خواهد بود. فرهنگ انتقادی را باید به سمتی سوق داد که هر کس که مطلبی در نقد دیگری دارد، در موقعیت خاصی بیان کند و با این کار به رشد و شکوفایی نگارش، پژوهش و کتابت کمک کند نه آنکه از نقد دیگران به عنوان حربه‌ای برای دیگر مسائل و بالابردن ارزش کارهای خود سود جوید. (اسلامی اردکانی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۸).

۱۱. حفظ بی‌طرفی آگاهانه:

از آنجا که به دلایل عدیده، انسان نمی‌تواند در اظهار نظر خود خالی از ارزش و داوری باشد، ناقد خواه ناخواه متأثر از پیش‌فرض‌های متعدد قهری و قطعی است. آنچه را در مرحله نقد و داوری می‌توان از منتقد به عنوان یک ادب و قاعده برای نقد توقع داشت، آن است که حداقل در مقام نقد و داوری و قضاوت، به صورت آگاهانه و هشیارانه، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌ها و مواضع مطلوبش را نقد و در قضاوت، اعمال نکند، تا در نقد او رعایت انصاف، جامعیت و علمیت شده باشد (منصورنژاد، ۱۳۸۴). ناقد نیز انسان است با همه ضعف‌ها و قوت‌هایش. نمی‌توان از او انتظار داشت تا یکسره انگیزه‌هایش را کنار بگذارد و یا آنها را انکار کند، اما باید تلاش کند که انگیزه‌های شخصی را کنترل کند و بی‌طرفی خود را حفظ کند. (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۱).

نقد منصفانه، ابزاری برای پیشرفت و رشد جامعه

نقد و انتقاد سبب رشد فرد و جامعه می‌شود. نقد یعنی ارزیابی منصفانه و انتقادکننده می‌بایست نقد خود را بدون هیچ‌گونه حب و بغض بیان کند و از جنجال و هیاهو و بزرگ‌نمایی خوداری کند. اگر انتقاد با نیت حب و بغض باشد فرد و جامعه از مسیر اصلی خود که پیشرفت است باز می‌ماند. بایستی در نقد کردن، تیزبین بود نه ریزبین، چراکه انسان اگر تیزبین باشد افق دید او وسیع است و همه مسائل خرد و کلان را می‌بیند و با دید بزرگ‌منشی خود به حل و فصل آن می‌پردازد، اما فردی که ریزبین باشد، دچار وسواس شده و از کارهای کلان باز می‌ماند و افق چنین انسانی بسیار ناچیز است. از این‌رو انتقادکننده باید انتقادپذیر باشد. جاهلانه و غافلانه حرف زدن انتقاد نیست، غرض‌ورزی است و در مسیر غلط، حرکت کردن است پس باید در تمام مسائلی که می‌خواهیم انتقاد کنیم و حرف بزنیم خود آگاه و خیره باشیم. در غیر این صورت مردم هیچ‌گونه توجهی به سخنان ما نخواهند کرد.

نقد منصفانه و دور از غرض را می‌توان نشانه دوستی و دلسوزی و باعث رشد و پیشرفت و حفظ بهداشت روانی جامعه دانست. از دیگر آفت‌های اخلاقی نقد، متهم و مارک‌دار کردن منتقدین است. کسانی که ظرفیت نقدپذیری را ندارند، از چنین حربه‌ای برای بیرون راندن منتقدان از حوزه نقد و انتقاد استفاده می‌کنند که این امر از دیدگاه متخصصان، نشانه ضعف و ناتوانی شخص نقدشده، تلقی می‌شود. دیگر از آفت‌های اخلاقی نقد، حمله به افراد و ترور شخصیت آنان به بهانه نقد است. در این حالت، هدف منتقد در اصل زیر سؤال بردن شخص است نه اندیشه و عملکرد او، پس با ظرافتی خاص در لابه‌لای نقد ضمن زیر سؤال بردن اندیشه و عملکرد شخص مورد نظر، نقص در عملکرد و رفتار را به شخص نسبت داده و شخصیت مورد نظر را منفی جلوه می‌دهد و دلیل نقایص و معایب را به گونه‌ای بیان می‌کند که مخاطبان تصور کنند، علت نقایص ضعف و ناتوانی شخص در انجام وظایف محوله است. (آخوندی، ۱۳۹۳).

مرز میان نقد و تخریب در فرایند نقد

برای درک علت مخالفت با نهادینه‌سازی نقد ابتدا باید مفهوم نقد را بدانیم. نقد یعنی «داوری خرده-گیرانه درباره اثری».

با درک این تعریف شرایط نقد نیز روشن خواهد شد و وقتی شرایط آن مشخص شود، منتقد خواهد فهمید که چگونه از افتادن در ورطه تخریب‌رهایی یابد. اگر با دقت به واژگان تعریف نگاه کنیم، یک کلمه کلیدی در آن می‌بینیم که اگر این کلمه را حذف کنیم، به یقین وارد حیطه تخریب خواهیم شد. کلمه داوری به این معناست که اگر شرایط داوری را نداشته باشیم یا رعایت نکنیم نمی‌توانیم به آن نقد بگوییم. یکی از بدیهی‌ترین شرایط داوری عدالت و انصاف است. منتقد باید عدالت را در نقد خود لحاظ کند. پیرامون انتقاد خود تحقیق و تفحص کند، تا مبادا با انتقاد بی‌جا موجب زایل شدن آثار مطلب گوینده و نویسنده شود. از شتاب‌زدگی پرهیز کند. از نقد شخصیت اثر پرهیز کند. خود را ملزم کند به حفظ ادب و احترام و از استخدام کلمات خارج از شان صاحب اثر اجتناب کند. اینها همه مطالبی است

که از واژه داوری و عدالت و انصافی که تحت آن نهفته است، می‌توان فهمید. (میرعزیزی، ۱۳۸۸: ص ۶).

واژه دیگر که در تعریف نقد از آن استفاده شده، واژه «خرده‌گیرانه» است. شاید در نگاه ابتدایی به تعریف چنین برداشت شود که خرده‌گیرانه بودن خارج از اخلاق و موجب بی‌احترامی است. در حالی که این چنین نیست و به قرینه واژه داوری می‌توان چنین دریافت که منظور از خرده‌گیرانه به هیچ‌وجه به کارگیری عصبانیت و پرخاش نیست. بلکه مقصود از به کارگیری این واژه پرهیز از تعریف و تمجید به جای نقد است. باید توجه داشت که برای پرهیز از بی‌اخلاقی، نباید خود را به حیطة تمجید و تعریف بیندازیم که قطعاً تعریف و تمجید اگرچه از شیرینی خاصی برخوردار است، اما به هیچ‌وجه به صاحب اثر کمک نخواهد کرد و چه بسا باعث تشبیت انحرافات و اشتباهات او شود. (میرعزیزی، ۱۳۸۸: ص ۶).

نتیجه‌گیری

بی‌شک آنچه موجب تداوم جریان خلاقیت و آفرینش فکری، هنری و فنی مدام و مستمر شده، همانا روحیه نقادی و انتقاد است. روحیه‌ای که بدون تردید معطوف به بهبود امور است. از این‌روست که هرگز اجازه نمی‌دهد انسان به وضع موجود رضایت دهد و دست روی دست بگذارد. نقد و انتقاد موجب پویایی جامعه بشری و موتور حرکت جوامع است. باید به اهمیت نقد و نقادی توجه بیش‌تری شود و به عنوان یک مهارت اجتماعی در کنار دیگر مهارت‌ها مانند تفکر، استدلال، بیان نظرات، گفتگو، همدلی، مباحثه و ... در جریان اجتماعی شدن، در افراد درونی شود. (اشرفی‌ریزی و کاظم پور، ۱۳۸۹: ۱۴).

نقد، یکی از روش‌های مهم به منظور ارزیابی مفاهیم، پدیده‌ها و داده‌های مختلف در فرایند تولید و آفرینش است. قوه نقادی و انتقاد کردن به معنای عیب گرفتن نیست و به گفته شهید مطهری، معنای انتقاد یک شیء را در محک قرار دادن و به وسیله محک زدن به آن و سالم و ناسالم را تشخیص دادن است. در این نگاه، مفهوم نقد فقط بیان کاستی‌های یک چیز و خرده‌گیری از کاری یا کسی نیست. هرچند هنگام نقد و تفکیک سره از ناسره، فرد ناقد، ناگزیر به بیان کاستی‌ها نیز خواهد بود. (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ص ۱۶۴).

منتقد وظیفه‌ای خطیر و دشوار بر عهده دارد و ناقدان متون علمی همواره باید به اهمیتی رسالتی که بر عهده دارند، واقف باشند. ناقد باید در ارزیابی و نقد اثر، همواره دقیق، و منصف باشد و تنها معیارهای علمی و منطقی و تجربی را مبنای قضاوت و نقد قرار دهد و از قضاوت‌های شتابزده و سطحی بپرهیزد. هدف منتقد بایستی، کمک به بهبود کیفیت آثار علمی مورد نقد باشد. بایستی در اخلاق نقد به دو اصل توجه کرد: یکی پاکی ضمیر منتقد و دیگری استفاده از شیوه‌های مناسب در نقد آثار دیگران. به تعبیر دیگر، منتقد نخست باید به لحاظ اخلاقی صلاحیت نقد را به دست آورد و دوم آنکه با روح انسانی و ظرافت آن آشنا شود تا بتواند نقدش را مؤثر سازد. به هر جهت، بی‌توجهی به اصول اخلاقی در نقد و وجود کلیشه‌های رایج در این مورد، موجب تحریف مفهوم اصلی نقد می‌شود، تا جایی که این‌گونه نقدها در دو سر افراط و تفریط قرار می‌گیرد. به این معنی که در جهت افراط و وسیله‌ای کوبنده خواهد بود. برای حذف رقیب و در جهت تفریط، ابزار مجامله و ذره‌پروری و مداحی یا امری

چشم انداز نقد مطلوب، سال ۱۳۹۶. ۳۴۳

تشریفات برای تجلیل از حبیب خواهد بود. (اسلامی اردکانی، ۱۳۸۳: صص ۱۲۸-۱۵۳). نقد متون گرچه با تحلیل و بررسی نوشتار همراه است، ولی رسالت آشنایی بیش تر خواننده با مفهوم مورد نظر را نیز برعهده دارد. (درودی، ۱۳۸۹: ص ۷۴).

در «نقدنامه» کتابداری و اطلاع‌رسانی تعدادی از اصول نقدنویسی به شرح زیر آمده‌است که به مثابه اصول اخلاقی نقد، می‌تواند مبنای کار یک منتقد متن علمی باشد:

- پیش به سوی خود اثر؛ «ما قال» را نقد کنیم، نه «من قال» را.
- نحن ابناء الدلیل؛ نقدمان همراه با استدلال باشد.
- اول فهم، بعد نقد؛ نقادی‌مان را بر هم‌زبانی (دیالوگ) با مؤلف بنا کنیم.
- اصل و اساس نقد، انصاف؛ درباره اثر بدون تعصب و حب و بغض داوری کنیم.
- از خدا خواهیم توفیق ادب؛ از خشونت کلامی و بدگویی و دشنام دوری کنیم.
- پرهیز از بی‌پروایی؛ در به‌کاربردن واژه‌ها و تعابیر گستاخ نباشیم.
- تحقیر و تخفیف ممنوع؛ دیگران را کوچک نشماریم و تن به خودستایی ندهیم.
- برائت از طعن و توهین؛ کلاممان را به‌طعن زدن و اهانت کردن نیالاییم.
- النجات فی الصدق؛ به دیگران نسبت کذب ندهیم و سخنانشان را تحریف نکنیم.
- نقد با هویت مشخص؛ پشت نام مستعارمان پنهان نشویم. (اسماعیلی، ۱۳۹۳: ص ۶-۳).

پیشنهادات کاربردی:

- آموزش کارگاهی اخلاق نقد و تفکر انتقادی به دانشجویان رشته‌های علوم انسانی.
- وضع قوانین و زیرساخت‌های حقوقی لازم برای دفاع از ارزش‌های معنوی و مادی فعالیت‌های فکری انتقادی در دانشگاه‌های کشور.
- توسعه فرهنگ نقد متون علمی و نقادی در دانشگاه‌ها، به منزله روشی برای تولید، اشاعه و کاربردی‌سازی دانش.
- آموزش و گنجاندن مباحث اخلاق نقد در نظام آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی کشور.
- ضرورت ترویج نقد علمی و پرهیز از نقدهای عمومی و عامیانه در محیط جامعه علمی حوزوی و دانشگاهی

منابع

۱. آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). «بهره‌گیری از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی در نقد ادبی»، نامه نقد: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی د ایران، دفتر اول، به کوشش محمود فتوحی، تهران: نشر خانه کتاب، ص ۲۶۵-۲۸۲.
۲. آخوندی، احمد (۱۳۹۳). اخلاق نقد چیست؟ دوشنبه ۳ شهریور ماه، ۱۳۹۳ - ۱۴:۲۵، کد خبر: ۹۳۶-۲۴۸۴-۵، منبع خبر: ایسنا منطقه مرکزی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) <http://markazi.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=66521>
۳. ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۹۱). «اخلاق نقد فرهنگی و فرهنگ نقد اخلاقی»، فصلنامه اخلاق زیستی سال دوم، شماره سوم، ص ۱۵۷-۱۹۱.
۴. اشرفی‌ریزی، حسن؛ کاظم‌پور، زهرا (۱۳۸۹). آیین نقد کتاب: راهنمایی برای کتابداران، نویسندگان و مترجمان، تهران: نشر چاپار.
۵. اسلامی اردکانی، حسن (۱۳۸۴). «اخلاق نقد و فرهنگ نقادی»، پژوهش و حوزه، شماره ۲۳ و ۲۴.
۶. اسلامی اردکانی، حسن (۱۳۸۳). اخلاق نقد، قم: دفتر نشر معارف.
۷. اسماعیلی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). «آفت نقد»، فصلنامه نقد کتاب تاریخ، شماره ۳ و ۴، جلد ۱، ص ۳-۶.
۸. انتظاری، علی؛ عاطفه، آقایی (۱۳۹۳). «فرهنگ نقد و گفتگوی صاحب‌نظران علوم انسانی ایران در مطبوعات» (تحلیل نقدها و گفتگوهای انتقادی منتشره در مطبوعات تخصصی علوم انسانی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱-۳۲).
۹. جعفرزاده، صابر (۱۳۹۳). اصول اخلاقی نقد و انتقاد در جامعه اسلامی، سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۳، ۵:۰۹ ب.ظ، منبع: پایگاه فکری خبری و تحلیلی حوزه و روحانیت، برگرفته شده از <http://ahlolbait.blog.ir>.
۱۰. خالقی، نرگس (۱۳۹۰). اخلاق پژوهش و نگارش، ویراستار علمی و ادبی عبدالحسین طالعی، تهران: نشر کتابدار.
۱۱. حسینی، حسین (۱۳۹۲). «نهضت تولید علم»، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاد اندیشی، تهران: انتشارات آوای نور.
۱۲. حسینی، حسین (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی نقد علوم انسانی» (نمونه مورد مطالعه: داوران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی)، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفدهم، شماره دوم، ص ۳۹-۵۴.
۱۳. حسینی، حسین (۱۳۹۳). «پیش‌گفتار نقدنامه‌های علمی گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۴. درودی، فریبرز (۱۳۸۹). «مقاله نقد: چارچوبی برای ارائه اطلاعات سودمند و کارآمد»، فصلنامه کتاب ماه کلیات، ص ۶۸ - ۷۴.
۱۵. درودی، فریبرز (۱۳۸۵). «سخنی در باب نگارش‌های انتقادی»، همراه با شرحی مختصر پیرامون آرای کارل پوپر درباره نقد منابع اطلاعاتی، فصلنامه کتاب، شماره ۶۸، ص ۲۷۹ - ۲۸۸.
۱۶. ده بزرگی، غلامحسین (۱۳۸۴). نکته‌هایی از نقد ادبی، تهران: نشر زوار.
۱۷. رستگار، میلاد (۱۳۸۰). «تصویری ماندنی از دوره استثنایی تاریخ مطبوعات ایران»، گفتگوی با دکتر محسنیان‌راد به بهانه پژوهش و صنعت انتقاد در مطبوعات ایران، رسانه، ش ۴۶.
۱۸. رفیعی، علی‌محمد (۱۳۹۳). پیش‌نیازهای نقد مطلوب و مدخلی بر اخلاق نقد، اینستا (خبرگزاری کتاب ایران)، تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۴۶ قابل دسترسی در سایت <http://www.ibna.ir/fa/doc/shortint>.
۱۹. رضایی ره، محمدجواد؛ علیزاده، زهرا (۱۳۹۵). «نقد و اخلاق نقد از دیدگاه علامه طباطبایی»، همایش ملی اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای در مکتب علامه طباطبایی (ره)، تبریز، دانشگاه صنعتی سهند تبریز، مرکز مطالعات و پژوهش‌های علم و دین.
۲۰. سلیمانی، حجت‌الله و همکاران (۱۳۹۴). حلقه نقد، تهران: انتشارات دانش‌شناس.
۲۱. شاه ولی اناری، مهدی (۱۳۹۵). اخلاق نقد از منظر قرآن و روایات، پایان‌نامه دولتی کارشناسی ارشد دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما علی احمد ناصح.
۲۲. شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). نقد ادبی، تهران: نشر میترا.
۲۳. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶). «فرهنگ نقد و نقادی: چیستی، چرایی و چگونگی نقد و نقادی در اجتماعات علمی»، ماهنامه آیین، شماره ۱۰، ص ۴۷-۵۳.
۲۴. میرعزیزی، ابراهیم (۱۳۸۸). «اخلاق نقد در سایه تعالیم اسلامی»، درباره اخلاق نقد، روزنامه رسالت، شماره ۶۸۵۱ به تاریخ ۸۸/۸/۲۳، ص ۶ (اخلاق).
۲۵. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴). قواعد و آداب نقد، نامه علوم انسانی، شماره ۱۱.
۲۶. مطلبی، داریوش؛ علیپور حافظی، مهدی (۱۳۸۹). کلیات و نقد آثار: گزیده‌ای از نقدهای منتشر شده در کتاب ماه کلیات، تهران: نشر خانه کتاب.
۲۷. محمدی، مسلم (۱۳۹۳). اخلاق علم‌آموزی در فضای دانشگاه، تنظیم و نظارت نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت آموزشی و پژوهشی - اداره مشاوره و پاسخ؛ تدوین و تألیف مسلم محمدی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۲۸. نو.



Critical ethical strategies in scientific texts (with emphasis on ethics of critique in the humanities)

Reza Tajabadi¹

MSc in Library and Information Science and Research Center for Agricultural and Natural Resources Education, Markazi Province, Iran.

Mehdi Borghani Farahani²

researcher and chief of agricultural research and education center of central province

Somayeh Shabani

MA in Public Law

The purpose of this paper is to examine the challenges and ethics of critique of scientific texts in the humanities. The method of studying this paper has been reviewed as a library and review. Avoiding the critique of the speaker rather than criticizing the speech and avoiding the impudent impulses of the first condition of the critique is impartial. One of the most important factors of unbiased criticism is the attention to the principle of the priority of understanding of criticism. Accelerated criticism is criticized, the criticism of denigrating the word is criticized, and dogmatic insistence on criticism leads to its misunderstanding. One of the principles of professional ethics in research is the principle of priority over comprehension, because acceleration and lack of comprehension criticism have two implications: the first complication is to push one towards incoherent beliefs, and the second is to criticize the violation of the rights of the viewer. Be Hasty criticism, without accurate understanding, is an abusive practice of immoral conduct. Defendant must be updated in the field of critique, expertise, insight and information. Any critic of the subject must either have a backing of documented sources or be accompanied by his logical and scientific arguments. In other words, the act of critique is, in fact, scientific and, if necessary, research. From the ethics of moral critique and moral disadvantage, those moral qualities and behaviors are ineffective, which affects the quality of critique of him and others or on the freedom and health of the custodial space.

Keywords: Ethics of Criticism, Criticism of Scientific Texts, Cultures of Criticism, Scientific Criticism, Ethics in Criticism.

¹ E-mail: tajabadireza@yahoo.com

² E-mail: hamid.askari.r@gmail.com